



به عنوان یک

کارگردان به هر حال

۱۲ سال است که دارم

کار تئاتر می‌کنم، حتی

یک سالن تئاتر به من

نمی‌دهند

میکائیل طیرانی ایفای نقش کرده‌اند و حامد اوجدی مقدم نیز تصویربرداری آن را بر عهده داشته است. این طور که کاظم‌زاده می‌گوید برای پخش این کار با شبکه نسیم صحبت شده است.

با همه این مشکلات او به آینده امیدوارست و می‌گوید بارقه‌های امیدوارکننده‌ای می‌بینم که امیدم را همچنان زنده نگه می‌دارد.

جوانی بیکار با پسرک فال فروش مواجه می‌شود و فالی برای خود می‌گیرد. روی فال نوشته شده است که تو موفق می‌شوی. پس از پنج ماه از این ماجرا، فال فروش از جلوی شرکت این جوان بیکار که کارش رونق گرفته است، می‌گذرد و او را می‌بیند. سکانس آخر فیلم هم نشان می‌دهد که پسرک فال فروش در خانه‌اش نشسته و همه فال‌هایش را با دست خودش می‌نویسد که تو موفق می‌شوی!

در این کار بازیگرانی چون سید جلال طباطبایی، خانم شاهسپند طاهری و

تعجب برانگیز بود؛ مردم جمع می‌شدند و نگاه می‌کردند. حتی صاحب رستوران به من گفت تا ساعت سه صبح هم که خواستی اینجا بمان و هر چه هم خواستی بخور!».

می‌گوید که فیلم کوتاه «آقای پدر» او پارسال از شبکه استانی هر ساعت پخش می‌شد اما هیچ بودجه‌ای به او ندادند. «هر دفعه هم که می‌روم سیمای اولین چیزی که می‌گویند این است که نمی‌خریم؛ فقط پخش می‌کنیم. خوب این برای کسی که با جان و دل کار می‌کند، اذیت کننده است.»

تئاتر را می‌کشانم به سمت مخاطب و قضاوت مردم درباره کارهای خوب و بد می‌گویند: شما خودتان را بگذارید جای مخاطب عام، وقتی که حمید لولایی می‌آید، وقتی که بهنوش بختیاری می‌آید شما آن‌ها را می‌روید ببینید یا بازیگران مشهدی را؟ بعد با خنده‌ای ناامیدکننده ادامه می‌دهد: با این وضع من فقط در عرصه فیلم‌سازی می‌توانم فعالیت کنم. چون تئاتر تا به الان برای من تنها ضرر داشته است.

می‌گویم یعنی معتقدی که مدیران هنوز فضا را برای جوانان آماده نکرده‌اند که بلافاصله تأیید می‌کند و می‌گوید: تقریباً بله. البته فضا نسبت به قبل بهتر شده است اما باز هم فضا را برای جوانان باز نمی‌کنند. چون من به عنوان یک کارگردان به هر حال ۱۲ سال است که دارم کار تئاتر می‌کنم، چرا حتی یک سالن تئاتر به من نمی‌دهند. چرا صداوسیما فیلم من را پخش می‌کند اما هیچ مبلغی نمی‌دهد؟ قرار بود به آخرین کارم که برای هلال احمر بود پنج میلیون تومان بدهند، بعد پنج میلیون تومان شد دو میلیون تومان و آخر سر هم همان را چک دادند.



## «ما را نگاهی از تو تمام است»

پسر بچه‌ای که فال می‌فروشد. داستان فیلم آخر اوست که در میدان تختی تصویربرداری شده است. داستان از این قرار است که

به شدت دنبال کار بودم. نصف روز با تمام وقت اما هر کاری کردم نتوانستم از این کار جدا شوم. خدا را شکر اتفاقات خوبی دارد می‌افتد. امیدوارم که بهتر از این هم بشود. «وقتی از او درباره نحوه تأمین هزینه نمایش‌هایش می‌پرسم، می‌گوید: کسی که پول نداشته باشد، همه کارهایش را خودش انجام می‌دهد. من هم بیشتر کارها را خودم انجام می‌دهم تا هزینه‌ها را کم کنم. در همین کار بیعت‌شکنان رمضان که اشاره کردم به خاطر اینکه پول برگشت از چناران به مشهد را نداشتم، شب کنار در مسجد چناران خوابیدم، بارها دوستان به من گفتند که اگر تو تهران بروی خیلی موفق می‌شوی اما مسائل مالی اجازه این کار را هم نمی‌دهد.

سید امین معتقد است که دلیل دیده نشدن نمایشنامه‌هایش در مشهد مخاطب خاص این شهر است که با تهران متفاوت است. «من سال ۹۴ کله‌پوک‌ها، اثر نیل سایمون را کار کردم و هشت میلیون تومان هم هزینه‌اش کردم اما استقبال نشد، چرا که مخاطب مشهد با تهران خیلی فرق می‌کند.» کاظم‌زاده درباره وضعیت تئاتر مشهد می‌گوید: مشکل اصلی مشهد این است که کارگردانان، بازیگر چهره می‌آورند و کارگردانی که مثل من پول ندارد، نمی‌تواند سالن بگیرد و بفروشد. مهم‌تر از این، سالن‌های اصلی دست تئاترهای باتجربه است و سالن‌هایی که کارگردانان معروف و بازیگران معروف می‌دهند، برای ما فقط فرهنگ‌سراها جا دارند و سالن اصلی تئاتر را هم که اگر بخواهی، باید بروی زنبیل را بگذاری تا نوبت شود.

«من پس از ۱۲ سال کار در عرصه هنر نمایش به این نتیجه رسیده‌ام تا زمانی که چهره نباشی، هیچ کس حتی رفتگر سر کوچه هم تحویل نمی‌گیرد. اما به محض اینکه بازیگر چهره داشته باشی همه نگاهشان به تو تغییر می‌کند؛ مثلاً سر همین کار آخرم چون آقای طباطبایی را آوردم استقبال از کار خیلی

